



حروف مقطعه قرآن کریم و رمزهای آن در رسانه

(از ص ۵۵ - ۶۹)

شهریار ضیاء آذری^۱

دکتر سید بابک فرزانه^۲

چکیده

تطبیق مفاهیم آواشناسی^۳ و گونه‌های تحول یافته‌ای از آموزه‌های آن که آواشناسی کاربردی^۴ نام گرفت بر قرآن کریم، کتاب بزرگ خداوند و معجزه جاویدان پیامبر اعظم، امری سهل و ممتنع و همراه با دشواری‌ها و چالش‌هاست. به کارگیری مفاهیم آوایی در ساحت قرآن کریم کار ساده‌ای نیست. در قرآن کریم قابلیت تبلور صداها نمونه از جزئیات زبان عربی وجود دارد و «لسان عربی مبین» در گستره قرآن با آوا نیز تجلی می‌کند، بدین معنا که واژگان قرآن، صرف نظر از آنکه اسم، فعل یا حرف باشند، به هنگام تلاوت، صدا و آوایند. تعریف صدا با ابعاد و گونه‌های آن در ارتباط است. راغب اصفهانی یکی از دقیق‌ترین و موجزترین تعاریف را برای صدا آورده است. وی صدا را هوای تحت فشار ناشی از ارتعاش دو چیز می‌داند که خود بر دو نوع است: ضرب با دست - مانند صدای عود - که یکسو دست و سوی دیگر زده است. ضرب با دهان - مانند تلفظ - که بر اثر ارتعاش دو تار صوتی صدا پدید می‌آید. آنگاه منطوق صدا را چنین تقسیم‌بندی می‌کند که یا کلام مفرد و یا کلامی مرکب است و یا چیزی غیر از تلفظ است مثل صدای نی (المفردات، ۲۸۸).

کلید واژه‌ها: حروف مقطعه، رموز قرآن، قرآن و رسانه‌ها، آواشناسی.

1. ziaazari @ yahoo.com

2. dr. farzaneh@gmail.com

3. Phonetic

4. Phonology

۱. مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری

۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

مقدمه (طرح مسأله)

ابن جنی (د. ۳۹۲ ق) صدا را پدیده‌ای می‌داند که همراه با تنفس به حالتی متصل و کشدار خارج شود و در حلق و دهان و لب‌ها به مقاطعی تقسیم گردد که حروف پدید آید و زنگ حروف نیز بنابر اختلاف این مقاطع، متفاوت خواهد بود (ابن جنی، سر صناعة الاعراب، ۶/۱) این تعریف ابن جنی، جوازی است برای آن که از تفاوت زنگ حروف بنابر اختلافشان در مقاطع آواها، فرکانس‌های مختلف حروف شناخته شود به گونه‌ای که هر حرفی زنگی و هر زنگی آوایی دارد و مادام که زبان پدیده‌ای صوتی پنداشته شود هر قومی تعبیر خاصی از منظوره‌های خود را با آن بیان می‌کند (همسو، الخصائص، ۳۳/۱). از سوی دیگر می‌توان آوای واژگانی را بررسی پدیده‌های صوتی حروف الفبا دانست که به طور ویژه در قرآن کریم به مخارج اصوات و درجه‌بندی‌ها، گونه‌ها، اجزا، احکام و اسباب آن و نیز ویژگی‌های جهر و همس و شدت و رخوت و صدا دار بودن و بی‌صدا بودن آن و همین‌طور ضوابط اطباق و انفتاح و امثال آن مربوط است، که در قرآن کریم به گونه‌ای گسترده مورد بحث قرار گرفته است.

قرآن و آوای زبانی

دانشمندان اسلامی، اساس بررسی‌های خود در مباحث آوایی را بر قرآن کریم استوار ساخته‌اند؛ کتابی که از دو جنبه آوایی و واژگانی برخوردار است. قرآن کریم، بی‌شک کتاب هدایت و قانون زندگی است، اما از دیدگاه زبان‌شناختی کتابی به زبان عربی و جاودانه است که مایه حفظ زبان عربی و قوام اسلوب بیانی آن شد، تا آنجا که زبان عربی با قرآن حفظ شد و قرآن نیز محفوظ به حفظ الهی است؛ آن سان که حق تعالی در سوره مبارکه حجر می‌فرماید:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» بر این پایه، جستار هر پدیده زبانی به معنای توجه به خود زبان و نتیجه‌ی آن تحکیم پایه‌های زبان از اصل و اساس است، چرا که آواها با پیوستن به یکدیگر، واژگان زبان را تشکیل می‌دهند و حروف و واژگان با پیوستن به هم، کلام آن زبان را پدید می‌آورند و توانایی نسبت به هماهنگی و پیوستگی این کلام، مأموریت صداهاست که ممکن است مخارجشان نزدیک به هم یا دور از هم باشد اما صدا هستند و در هر حال، شخصیتی جدید دارند.

برخی از دانشمندان در طول تاریخ، مطالعاتی در آوای زبان قرآن داشته‌اند که در این تحقیق، ذکر اسامی ایشان مزید بهره، بیان می‌شود:

علی بن عیسی زمانی (د. ۳۸۶ ق)، ابوبکر باقلانی (د. ۴۰۳ ق)، ابوعمرو دانی (د. ۴۴۴ ق) محمد بن حسن طوسی (د. ۴۶۰ ق)، جلاله زمخشری (د. ۵۳۸ ق)، ابوعلی طبرسی (د. ۵۴۸ ق)، عبدالله بن محمد نکزاولی (د. ۶۸۳ ق)، ابراهیم بن عمر جعبری (د. ۷۳۲ ق)، بدرالدین زرکشی (د. ۷۹۴ ق) و جلال‌الدین سیوطی (د. ۹۱۱ ق). البته برخی از دانشمندان در مطالعات بلاغی خود به ویژگی‌های اصوات نیز پرداخته‌اند. افرادی چون شریف رضی (د. ۴۰۶ ق)، عبدالقاهر جرجانی (د. ۴۷۱ ق)، ابن سنان خفاجی (د. ۴۶۶ ق) و ابویعقوب سکاکی (د. ۶۲۶ ق).

حروف مقطعه و آوای زبانی

به نظر می‌رسد قرآن کریم همواره به ضرورت بررسی جلوه‌های صوتی زبان عربی که در آغاز بعضی از سوره‌های قرآن کریم با جمله‌هایی محدود از حروف هجا آمده توجه داده است؛ حروفی که هرگاه تلفظ شوند به واسطه صدایشان اسم‌اند نه آنکه تنها به دلیل ماهیت کلمه‌ای، حروف به شمار روند.

سوره‌های قرآن کریم با ۱۰ روش آغاز شده است که هر یک، نوعی از فن بیان و اسلوبی بلاغی است و طلّیعه سوره‌های قرآن کریم خارج از این ۱۰ روش نیست که البته گاه چند روش همراه یکدیگر به کار رفته‌اند (زرکشی، ۱۶۴۹/۱).

۱. حمد و ثنای خداوند، نظیر سوره فاتحه: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**
۲. ندا، نظیر سوره مدثر: **يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ**
۳. قسم، نظیر سوره فجر: **وَ الْفَجْرِ**
۴. صیغه امر، نظیر سوره علق: **اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ**
۵. جمله خبریه، نظیر سوره مؤمنون: **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ**
۶. صیغه شرط، نظیر سوره نصر: **إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ**
۷. صیغه استفهام، نظیر سوره نبأ: **عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِ الْعَظِيمِ**
۸. دعا، نظیر سوره مطففین: **وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ**
۹. تعلیل، که تنها در سوره قریش است: **لَّيْلِفٍ قُرَيْشٍ**
۱۰. حروف الفبا، که موضوع این تحقیق در باب آوای زبانی است.

حروف مقطعه آغاز ۲۹ سوره قرآن کریم را می توان به ۵ گروه تقسیم کرد (۱) حروف یگانه (ص) (ق) (ن)؛ (۲) حروف دوگانه (طه) (طس) (یس) (حم)؛ (۳) حروف سه گانه (الم) (الر) (طسم)؛ (۴) حروف چهارگانه (المر) (المص)؛ (۵) حروف پنجگانه (کهیصص) (جمعسق).

برخی از دانشمندان صاحب نظر در اعجاز قرآن کریم، از دیدگاه تصنیف صوتی به این حروف نگریسته اند و از صندوق بعضی انواع ترکیب های آن، رمزی گشوده اند. ابوبکر باقلانی با بررسی حروف یاد شده متوجه می شود که دقیقاً نیمی از حروف الفبا در حروف مقطعه به کار رفته است و این ۱۴ حرف، دلالت بر نیم دیگر نیز می کنند، یعنی نماینده تمام حروف الفبا (باقلانی، ۶۶). برخی اهل زبان نیز نظر باقلانی را تأیید کرده اند. شیخ طوسی ذکر نیمی از حروف الفبا را مایه بی نیازی از نیم دیگر می داند. همان گونه که وقتی می گوئیم الف، باء، تاء ... شنونده درمی یابد که تمام حروف معجم را از الف تا یاء گفته باشیم (طوسی، ۴۸/۱).

یافته های باقلانی، حاوی نکته های بیشتری از این دست است. مثلاً از میان

حروف حلقی (هاء، همزه، حاء، خاء، عین، غین) تنها (هاء و حاء و عین) در حروف مقطعه آمده است؛ یعنی نیمی از آن‌ها مذکور و نیم دیگر متروک است. همین‌طور از ۸ حرفی که دارای صفت شدت هستند یعنی (همزه، قاف، کاف، جیم، تاء، دال، طاء و باء) تنها ۴ حرف (طاء، قاف، کاف و همزه) در حروف مقطعه به چشم می‌خورد و از میان ۴ حرف (صاد، ضاد، طاء و ظاء) که دارای صفت اطلاق اند تنها دو حرف (صاد و طاء) در حروف مقطعه آمده است (باقلانی، ۶۷-۶۸). با بررسی بیشتر درمی‌یابیم از میان تقسیمات حروف بر پایه صفات و مخارج آن‌ها، نیمی از حروف با صفت جهر و نیمی از حروف با صفت همس، نیمی از حروف با صفت شدت و نیمی از حروف با صفت رخوت، نیمی از حروف حلقی و نیمی از حروف غیرحلقی در حروف مقطعه قرآن کریم دیده می‌شود.

زمخشری یک سده پس از باقلانی، تأمل در حروف مقطعه قرآن کریم را دارای این‌ره‌آورد می‌داند که الف و لام و میم و صاد و راء و کاف و هاء و یاء و عین و طاء و سین و حاء و قاف و نون، ۱۴ حرفی هستند که در آغاز ۲۹ سوره قرآن کریم آمده است و در پرتو اندیشیدن در این ۱۴ حرف، دانسته می‌شود که نیمی از اجناس حروف‌اند؛ حروف الفبایی که در عدد به اندازه سوره‌های دارای حروف مقطعه‌اند (زمخشری، ۱/۱۰۱). با ملاحظه نگارش باقلانی و زمخشری درمی‌یابیم:

اولاً: همزه و الف را در نگارش یکسان و در صدا جدا حساب کرده‌اند؛ از این رو، در شمارش حروف الفبا ۲۸ حرف و در شمارش صدای آن‌ها ۲۹ حرف به دست آمده است.

ثانیاً: هیچ‌گاه در ذکر حروف الفبا، شکل اختصاری آن‌ها را که غالباً در بدو آموزش دبستانی تعلیم می‌شود به کار نبرده‌اند، بلکه مثلاً «ص» را در نگارش صاد نوشته‌اند. دلیل همان است که در آغاز تحقیق بدان اشاره شد که مراد از این حروف تنها ماهیت حرف گونه آن‌ها نیست و با بررسی مخارج و صفات حروف به نیکی دریافته می‌شود

که صدای حاصل از این حروف، معیار بعضی نتایج است و اگر صدای آن‌ها مراد باشد، پس دیگر حرف نیستند بلکه اسم‌اند.

زمخشری این نظریه را تأیید می‌کند؛ آنجا که همزه و الف را حرفی واحد نزد فقیهان می‌داند و حرف‌هایی جدا نزد عامه. وی معتقد است خواه یک حرف یا دو حرف باشند در هر حال ۲ صدا تولید می‌کنند (زمخشری، ۱۰/۱). وی جدول باقلانی را قدری توسعه می‌دهد و صفات استعلاء و استفاله و قفله را به ۵ یافته باقلانی می‌افزاید (همانجا) اگرچه باقلانی یافته‌های خود را بر سبیل مثال آورده بود.

زمخشری پس از این تفصیل، در پی حکمت ذکر نیمی از حروف با تمام صفات مبتنی بر مخارج حروف است تا با پذیرفتن هر کدام به عنوان یک اسم که در صورت تلفظ نامشان شنیده می‌شود، به فلسفه اصوات راه یابد. وی می‌نویسد:

«هرگاه این کلمه‌ها و ترکیب‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه و پنج‌گانه آن‌ها را بررسی کنیم می‌فهمیم حروفی که خداوند ذکر نکرده، نماینده‌ای از آن‌ها را ذکر کرده است و خداوند در هر امری مشیت و حکمتی دارد و در اینجا شیوه‌ارائه، با روش اختصار مطابقت دارد و همراه با لطائف تنزیل است» (زمخشری، ۱۰/۳/۱).

نظمی دیگر

در سده هشتم هجری بدرالدین زرکشی نیز تأملی در پژوهاک حروف مقطعه از زوایای مختلف داشته و به نتایجی رسیده است. از آن جمله، مثال می‌زند که در ترکیب الف - لام - میم، الف چون در آغاز قرار گرفته، پس همزه است و همزه اولین مخرج را در حروف حلقی دارد؛ یعنی از عمق سینه و حلق ادا می‌شود و لام در وسط (الم) بیشترین تکیه را بر زبان به هنگام ادا دارد و زبان در میان حلق و لب قرار دارد. وی در نهایت به میم می‌رسد که میم در (الم) از دهان و لب ادا می‌شود و ادای این ۳ حرف یعنی استخدام حلق و زبان و لب‌ها که بقیه مخارج حروف یعنی ۱۶ مخرج، از آن‌ها منشعب می‌شوند و ۲۹ حرف الفبا ادا می‌شود؛ لذا (الم) یعنی الف بدایت و لام

توسط و میم نهایت که نماینده مخارج تمام حروف‌اند (زرکشی، ۱۶۸/۱).

نگارنده این یافته را منحصر به زرکشی نمی‌داند. چرا که در نظریه‌های خلیل بن احمد فراهیدی (د. ۱۷۵ ق) و سیبویه (د. ۱۸۰ ق) و ابوالفتح عثمان بن جنی نیز سابقه دارد. البته گویا متقدمان، حرف و آوا را گاه از یک دریچه می‌نگریسته‌اند، آن‌گونه که نام یکی را گاهی بر دیگری اطلاق می‌کردند به ویژه وقتی حرف را ذکر کنند و آوا را اراده کنند که از پندار اخیر زرکشی فهم می‌شود و در منابع قدیمی‌تر سابقه دارد، تا آنجا که خلیل بن احمد در اوایل کتاب العین نیز چنین کرده است. وی کتابش را العین نامید، زیرا اقصی الحروف است (خلیل بن احمد، ۵۸/۱)، نه به این اعتبار که این حروف در آخر حلق قرار دارد. بلکه به این اعتبار که صدای حاصل از این حروف در آخر حلق است و وقتی سخن از صدا و آوا باشد؛ یعنی حرف (ع) را به کار برده و صدا یعنی اسم (عین) را اراده نموده است.

از زیبایی‌های اشاره و گزیده‌نمایی در حروف مقطعه، جلوه‌های فراوانی هست که در اینجا به نمونه دیگری اشاره می‌کنیم که درباره (طس) و (ط) است:

طاء پنج صفت جهر و شدت و استعلاء و اطباق و اصمات دارد و سین و هاء، دقیقاً پنج صفت متضاد یعنی همس و رخوت و استتفال و انفتاح و صفیر. و هیچ حرفی نمی‌توانست مثل سین و هاء در مقابل طاء قرار گیرد و در نتیجه جمع دو حرف (طس) و (طه) یعنی ذکر تمام صفات حروف (زرکشی، ۱۶۸/۱).

رمزهای رادیویی

رادیو رسانه‌ای شنیداری است. مردم گاهی برنامه‌های آن را می‌شنوند و گاهی به آن‌ها گوش می‌کنند و نگارنده بر آن است که وجه گوش کردن به برنامه‌های اسلامی را با الهام از روش قرآن کریم در دعوت به گوش کردن و تدبر و تعقل بکاود؛ آن‌گونه که عرب جاهلی وقتی قرآن را می‌شنید لغو می‌پنداشت و جایی برای تفکر یا انگیزه‌ای برای تعقل نداشت و خداوند حکیم، این نظم بدیع را نازل فرمود تا به شگفت آیند و

شگفتی‌شان انگیزه‌ای برای گوش کردنشان باشد و گوش کردن، مایه پیگیری ادامه‌اش گردد و در نتیجه دل‌ها نرم شود (همان، ۱۷۵/۱).

جنبه رمزی حروف مقطعه مسلماً محدود به مکالمات خداوند با پیامبر نیست. البته وجه عمده رموز آن در انحصار رسول خدا و اولیای الهی است، ولی از این جنبه‌های رمزی، می‌توان استفاده‌هایی در روش رساندن پیام‌های تفکربرانگیز نمود و قرآن کریم در روش بیانی بی‌نظیر خود اراده کرده است تا دیدگان و اندیشه‌ها را جذب کند.

می‌بینیم بعضی سوره‌های قرآن کریم با این حروف مقطعه آغاز شده است. فرکانس‌های رادیویی هر کشور یا هر ایستگاه که رمزی خاص برای آن فرستنده است و دلالت بر ایستگاه رادیویی ویژه‌ای می‌کند و میان آن و دیگر ایستگاه‌ها تمایز ایجاد می‌کند، شاید بی‌نیاز از روشمندی حروف مقطعه قرآن کریم در استفاده از رمز و اشاره به معنای رادیویی آن نباشد. قرآن کریم از این حروف به عنوان رمزی مخصوص برای محتوای وحی استفاده می‌کند که اذهان را متوجه سازد تا به آیات نازل شده گوش فرا دهند و با هوشیاری و دقت، توجه نمایند و پیوسته چنین تحول درونی برای افراد با ایمان مایه استفاده بیشتر از پیام‌ها است، طوری که این اشارات حرف گونه در حالت‌های مختلف که مستلزم توجه ویژه است، مقدمه برای موضوع اصلی باشد (هاشمی، ۳).

ویژگی مهم رادیو که دست‌اندرکاران رسانه و نیز شنوندگان را به خود جلب می‌کند، این است که ما نمی‌توانیم پیام‌های آن را ببینیم، این پیام‌ها تنها شامل صدا و سکوت است و از همین ویژگی منحصر به فرد رادیو تمام کیفیت‌های متمایز آن حاصل می‌شود. برای دستیابی به دیدی شفاف‌تر نسبت به ویژگی‌های رادیو، می‌توان آن‌ها را با وسایل برقراری ارتباط مقایسه کرد. متداول‌ترین و ابتدایی‌ترین راه را

می‌توان با عنوان ارتباط بین فردی^۱ توصیف کرد که در آن فرستنده و گیرنده پیام، به لحاظ فیزیکی، نزدیک و در دید یکدیگرند. رمز ابتدایی یا سیستم علائم که دو طرف از طریق آن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، زبانی یا به صورت گفتار است؛ اما به این ارتباط، رموز عرضه با ماهیتی شبه زبان شناختی کمک می‌کند که عبارتند از: حالت چهره، حرکات سر و دست، حرکات بدن و طرز ایستادن (فیسکه، ۷۰ - ۶۶)

پیام به فحوای کلام^۲ اشاره دارد و به فرستنده و گیرنده پیام این امکان را می‌دهد که آن را درک کند و پیام‌ها را به این دلیل، دو طرف ارتباط می‌فهمند که فرستنده و گیرنده آن‌ها به لحاظ فیزیکی به هم نزدیک‌اند و یا زمینه‌های تجربی مشترکی دارند؛ اما به علاوه بسیاری از نکات و کلماتی را که برای برقراری تماس به کار برده می‌شود، می‌توان کنترل کرد تا مطمئن شویم تماس برقرار است (حال شما چطور است؟ و ...)

و بسیاری از نکات فرا زبان شناختی، به کار گرفته می‌شوند تا مطمئن شویم رمز، درک می‌شود (مانند: می‌فهمید؟) و هر دو نوع بیان، بازخوردی ایجاد می‌کنند که در این شیوه ارتباط، همان انتقال ساده واکنش گیرنده به فرستنده است. در نتیجه احتمال زیادی وجود دارد که پیام با دقت، رمزگشایی و معنای آن درک شود.

خداوند حکیم با رمزها و نمادهایی که حروف مقطعه نامیده می‌شود، بسته پیام خود را در قالب قرآن کریم به سوی گیرنده یعنی انسان فرستاده است و می‌توان از تعابیری که امید به تعقل، تفکر، تنبه، هدایت و امثال آن را با اسلوب ترجی بیان می‌کند، به دیده همان نکات فرا زبان شناختی نگریست که برای خوش بینی نسبت به درک صحیح گیرنده پیام است.

رمز اولیه‌ای که فرستنده با آن ارتباط برقرار می‌کند (گفتار) با رموز مختلف عرضه تکمیل می‌شود و یا می‌تواند همزمان با شنیدن صدای او از طریق تصاویر دیگری از جمله تصویر یک نوشته یا همان متنی که فرستنده پیام به آن اشاره دارد

1. Interpersonal.

2. Context

پیام را ببیند. البته رموز رادیو صرفاً شنیداری اند و شامل صحبت، موسیقی به معنای عام آن از ساز و آوا، صداها و سکوت می‌شود و چون در بین حواس ما گوش، باهوش‌ترین آن‌ها نیست، این رموز باید به گونه‌ای عرضه شوند که پردازش و آماده‌سازی آن‌ها تقریباً به سهولت انجام پذیرد. خطر ابهام و برقرار نشدن کامل ارتباط زیاد است، در نتیجه در رادیو بیشترین مساعی باید در جهت فایق آمدن بر محدودیت‌های رسانه و به وجود آوردن متون مختلفی باشد که به طور کلی بتوانیم آن‌ها را در ذهن خود ببینیم. قرآن کریم در بسیاری نمونه‌ها از آیات خود از این تصویر فنی سود می‌جوید و در حروف مقطعه نیز چنین است.

هیچ دانسته نیست که در آغاز وقتی کلمه‌ای به کار می‌رفت تصویری که در ذهن از آن چیز حاصل می‌شد، یا با آنچه امروز ما از آن لغت می‌فهمیم برابر بود یا نه؛ زیرا هیچ سند تاریخی که در این زمینه قاطعیت داشته باشد باقی نمانده است اما در ادوار تاریخی به نیکی دریافته می‌شود که بسیاری از «نامیدن»‌های هنری و ذوقی که براساس خیال و آفرینش هنری به وجود آمده با تکرار در طول تاریخ زبان، آن خاصیت اولیه را از دست داده و راهی دراز را از مرحله مجازی بودن به سوی حقیقی شدن طی کرده است (دریو، ۶۰).

اشاره

اشاره به عنوان جمله‌ای راهنما، شنونده را برای درک مضمون یک گزارش مفصل یا گزارش مستند آماده می‌سازد. اشاره در خبر رادیو و تلویزیون یکی دو جمله است که مشخصه خبر را توضیح می‌دهد و نباید با لید در خبر رسانه‌های نوشتاری اشتباه شود (cue) (قاضی زاده، ۳۲)

نوشتن مطلوب اشاره و شرح آن، شنونده را به درون یک برنامه می‌کشاند و در تدارک تنوع و تأمین جذابیت مطلب می‌گذارد. بیش از هر چیز، باید توجه خواننده را به موضوع جلب کند و رغبت او را برای دنبال کردن اصل موضوع برانگیزد تا او برای

شنیدن بقیه موضوع ترغیب شده باشد.

صداها و اصوات

برخلاف کلمه‌ها که بشر آن‌ها را اختراع کرده است، صوت یا اصوات طبیعی‌اند و شکلی از معنی را که در دنیای واقعی وجود دارد، منتقل می‌کنند. اصوات هیچ وقت پدیده‌هایی جدا از چیزی نبوده‌اند و همیشه حضور چیز دیگر را اعلام می‌کنند (انیس، ۹).

اصوات، چه در طبیعت و چه در رادیو به صورت علامت از نوع شاخص عمل می‌کنند اگرچه در رادیو اصوات به نحوی آیکونیک یا علامت تصویری هستند؛ زیرا به عنوان نشانه خود صدای اصلی عمل می‌کنند و یا این اصوات پخش شده از رادیو نشانه خود صدا هستند. به هر حال صوت، معنی را می‌سازد آنگونه که صوت حروف مقطعه و تلفظ اسم حروفشان، معنی می‌سازد. پس صداها شاخص‌هایی برای معنی دادن و اعلام حضور چیز دیگرند و آن چیز دیگر در رادیو شخص گوینده یا صدای کارشناس و در حالت غایی، محتوای کلام اوست، آن سان که در قرآن کریم صدای فرشته وحی و مفهوم پیام پروردگار.

صداها و اصوات قادرند معنی بسط داده شده را انتقال دهند؛ یعنی یک صدا در آن واحد می‌تواند چند معنی را برساند مثل صدای اذان که هم به معنی صدای اذان است و هم به معنی رسیدن زمان اقامه نماز. لکن کار دشوار آن است که تولیدکنندگان برنامه باید به نحوی به شنوندگان بفهمانند که این صداها چیست و چگونه با موضوع در ارتباط است و در بعضی موارد هم مجبورند ماهیت این صداها و اصوات را کاملاً برای شنونده روشن کنند.

توجه به ابعاد مفهومی صدا در رسانه در کنار ابعاد گوناگون حروف مقطعه قرآن کریم و عنایت به پیچیدگی فهم پیام‌ها از راه صداها، شبیه‌سازی ما را در مدل حروف مقطعه قرآن کریم کامل می‌کند که ماهیت آنچه با آن حروف بیان می‌شود نیز وابسته

به تفسیر و تبیین بود.

صدا برای معنی پیدا کردن و این که مربوط به چه چیز است، نیاز به اشاره‌های لفظی و کلمه‌ای دارد؛ حال چه از طریق مکالمه و گفتگو و چه گفتار متن، در این صورت است که انسان آنچه را که شنیده درک و باور می‌کند. این قبیل اشاره‌های کلامی، لنگر صوت و صدا را قوی‌تر می‌کند و در واقع می‌توان کارکردهای آن را همان‌طور که رونالد بارتس گفته است، نظیر کارکردی دانست که زیرنویس عکس‌ها دارند و به عکس معنی و مفهوم بیشتری می‌دهند.

بارتس می‌گوید:

«کلمه‌ها کمک می‌کنند تا زنجیره‌شناور معانی در یکجا ثابت شود و در ذهن جای بگیرد. کلمه‌ها در واقع با از بین بردن مجموعه علائم نامرتبط، یک علامت و یک معنی را تثبیت می‌کنند (بارتز، ۳۹)

از آنجا که کلمات را از طریق رادیو نمی‌توان دید و فقط آن‌ها را می‌توان شنید، رمزها و کدهای رادیو بیشتر گفتاری هستند تا نوشتاری، البته برنامه‌هایی که ابتدا آن‌ها را می‌نویسند و سپس به صورت گفتار اجرا می‌کنند تا حدی ماهیت نوشتاری نیز دارند (رودگر، IV / 44)

بنابراین اغلب حرف و سخن‌های رادیویی، از قبل طراحی شده است نه آن که بدون برنامه‌ریزی و خودجوش به صورت کلمه ادا شوند و همچنین بسیاری از حرف زدن‌های معمولی هم واضح‌تر و روشن‌ترند (گریگوری، III/42).

اهمیت نظری رادیو امری فلسفی است زیرا بسیاری از چالش‌های ذهنی را که در مورد قبول و یا رد چیزی به وجود می‌آورد بر معرفت‌شناسی^۱ ما می‌افزاید و یا راه‌هایی را به ما نشان می‌دهد که از طریق آن دربارهٔ امور، کسب اطلاع و یا آن‌ها را حس می‌کنیم. معلوم شد که رادیو به عنوان رسانه‌ای غیر بصری، کدها و رمزهایی دارد که

فقط متشکل از صدا و سکوت است و اینکه در میان این رموز، در نهایت فقط رمز مربوط به کلمات است که روشن، واضح و قابل فهم و به ساختار قرآن کریم شبیه است؛ چه حروف مقطعه آن از جنس صدایند و در میان آیات و تلاوت آن‌ها، وقف‌ها همان رمز سکوت‌اند.

تصویر هنری در قرآن تنها به دایره محدود فنون بلاغی به سان تشبیه و استعاره و مجاز و مانند آن خلاصه نمی‌شود، بلکه تصاویر قرآنی از عناصری گوناگون همچون نغمه کلمات - که موضوع این پژوهش است - و موسیقی جملات، توصیف‌های دقیق، محاوره و گفتگو، رویارویی صحنه‌ها و مانند آن ترکیب یافته، که چشم و گوش انسان را از صحنه‌ها و نغمه‌های روح پرور خود پر می‌کند و حس و خیال آدمی را برمی‌انگیزد و فکر و اندیشه بشر را به تکاپو وا می‌دارد (قطب، ۳۳). همچنین فهمیده می‌شود که ترسیم‌ها و تصویرهای قرآنی ولو در گزیده‌نمایی حرفی و آوای واژگانی، برای زینت ظاهری کلام نیست و در دلالت بر مدلول، نقش اساسی به عهده دارد، انسان که امکان بهره‌گیری و مصداق‌سازی را ناممکن نکرده است.

مضمون یک مسأله و حقیقت آن که با حروفی به ظاهر ساده و دم دست همگان و با صدایی فراگیر که تمام ویژگی‌های گفتاری را شامل می‌شود، جز با تصویرگری نمود پیدا نمی‌کند و این نقطه پیوند صدا و تصویر است - صدای واژگان قرآن که صدای حروف، کوچک‌ترین جزء آن است و تصویری که مخاطب می‌آفریند - و مناسب‌ترین شیوه برای تأثیر بر مخاطب (یاسوف، ۱۱۲). این روش به صورتی فراگیر در سراسر قرآن کریم، شایع است (قطب، ۲۱۶).

اهمیت معرفت‌شناختی این نکته در آن است که بدانیم توانایی و قدرت ذهنی که ما را به شناخت و احساس دنیا می‌رساند، در اصل یک توانایی مربوط به قوه بینایی است اما از آن جایی که تصاویر به ندرت می‌توانند خود را توصیف کنند، آن وقت با یک قدرت و توانایی ذهنی دیگر با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنیم که در اصل، زبانی

یعنی به صورت کلمات است.

نتیجه گیری

باید دانست که قرآن کریم، جلوه‌های زیبا و باشکوهی در سرتاسر آیات خود دارد که تصاویر بی‌مانندی را به وسیله الفاظ و تعبیر و به گونه‌ای جذاب و شگفت در برابر دیدگان بشری قرار می‌دهد. الفاظ قرآن کریم، بی‌روح و معمولی نیست، بلکه بدان‌ها حیات بخشیده شده است تا معانی انتزاعی به صورتی زنده و پویا مجسم شود و به افق معارف بلند و ژرف، بار یافته شود. همان طوری که ویتترین یک فروشگاه، گزیده‌ای از محصولات را با نمایشی همراه با رنگ و لعاب و جلوه‌های نور و هنر نشان می‌دهد و عابریان را به تماشا وامی‌دارد و شاید بتوان نام تصویر برجسته را بر آن نهاد که از میان جلوه‌های مختلف، چشم‌نوازتر است، نمایشکده حروف قرآن کریم نیز با دنیایی از رمز و راز و اختصار و اشاره، پیش روی برنامه‌سازان رادیویی است تا در روش بیانی و تصویر آفرینی خود، وام گیرند؛ به ذکر موجز ملتزم شوند و به گاه ضرورت از اطناب غیر ممل و توصیف و تشریح بهره جویند تا به اندیشه فراخوانند و به گوش کردن همراه با انگیزش توسعه در مفاهیم دعوت شوند و دعوت کنند.

منابع

- علاوه بر قرآن کریم :
- ۱- آنیس، ابراهیم، *الاصوات اللغویة*، قاهره، ۱۹۷۱م.
 - ۲- ابن جنی، ابوالفتح، *الخصائص*، به کوشش محمدعلی نجار، قاهره، ۱۹۵۲م.
 - ۳- همو، *سر صناعة الاعراب*، به کوشش مصطفی سقا، قاهره، ۱۹۵۴م.
 - ۴- باقلانی، ابوبکر، *اعجاز القرآن*، به کوشش سیداحمدصقر، قاهره، ۱۹۵۴م.
 - ۵- خلیل بن احمد فراهیدی، *کتاب العین*، به کوشش مهدی مخزومی و ابراهیم سامرانی، بغداد، ۱۹۸۰م.
 - ۶- راغب اصفهانی، ابوالقاسم، *المفردات فی غریب القرآن*، به کوشش محمدسید کیلانی، قاهره، ۱۹۶۱م.
 - ۷- زرکشی، بدرالدین، *البرهان فی علوم القرآن*، به کوشش محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۵۷م.
 - ۸- زمخشری، محمودبن عمر، *الکشاف عن حقائق التنزیل و عبون الاقاول*، بیروت، ۱۴۱۷ق.
 - ۹- شفیعی کدکنی، محمدرضا، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران، ۱۳۷۸ش.
 - ۱۰- طوسی، محمدبن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، به کوشش احمدحیب قصیر، نجف اشرف، ۱۹۵۷م.
 - ۱۱- علی «ص»، محمد حسین علی، *الصوت اللغوی فی القرآن*، بیروت، ۲۰۰۰م.
 - ۱۲- قاضی زاده، علی اکبر، *نوشتن برای رادیو*، تهران، ۱۳۸۰ش.
 - ۱۳- قطب، سید، *التصویراللفنی فی القرآن*، دارالشروق، مصر، [بی تا]
 - ۱۴- کرایسل، اندرو، *درک رادیو*، ترجمه معصومه عصام، تهران، ۱۳۸۱ش.
 - ۱۵- هاشمی، محمدجمال، «بحث» من تفسیر القرآن الکریم، *مجله الایمان*، سال اول، شماره ۵-۶، نجف اشرف، ۱۹۶۴م.
 - ۱۶- یاسوف، احمد، *جماليات المفردة القرآنية*، دمشق، ۱۴۱۹ق.

و نیز:

- 17-Barthes, R, *Image – Music – Text*, (trans.) S , Heath, Glasgow , Fontana, 1977.
- 18-Crisell, Andrew, *Understanding Radio*, London and NewYork, Routledge, 2nd Edition, 1994.
- 19-Drew, Elizabeth, *Poetry, A Modern Guide to its Understanding and enjoyment*, New York, Dell Co, Inc, 1959.
- 20-Fiske, J, *An Introduction to Communication Studies*, London, Routledge, 2nd Edition, 1990.
- 21-Gregory, M. and Carroll, S, *Language and Situation*, London, Routledge & Kegan Paul, 1978.
- 22-Rodger, I, *Radio Drama*, London, Macmillan, 1982.